

جعلہ ← التزام شفی بہ ادای اہر معلوم در مقابل عمل

↓ ↓

جاءل عقد

عامل ۛ انجام دہندہ کار

طرف مقابل معین بود ۛ جعلہ خلص

جعلہ با مخاطب عام

طرف غیر معین بود ۛ جعلہ با مخاطب عام

حرس ، کیف من را پیدا کرد ۛ مدبرین مردم

جعاله ← عقد

ل ← عهدی

اثر اصلی آن ایجاد عهد است.

علم اجالی به جعل کافی است.

جمل نیست ، در عالم واقع مُحض است. طریقین یا یکی از آن ها ، الان علم تفصیلی

ندارد.

جعالہ ہے عقد است

آلہ اولیٰ نیاز است ہے ہر ۱ طرف

اگر عامل، مجزن یا صغیر غیر مجز بود ہے اجرت المثل باید داد ہے از باب استیناف از عمل غیر

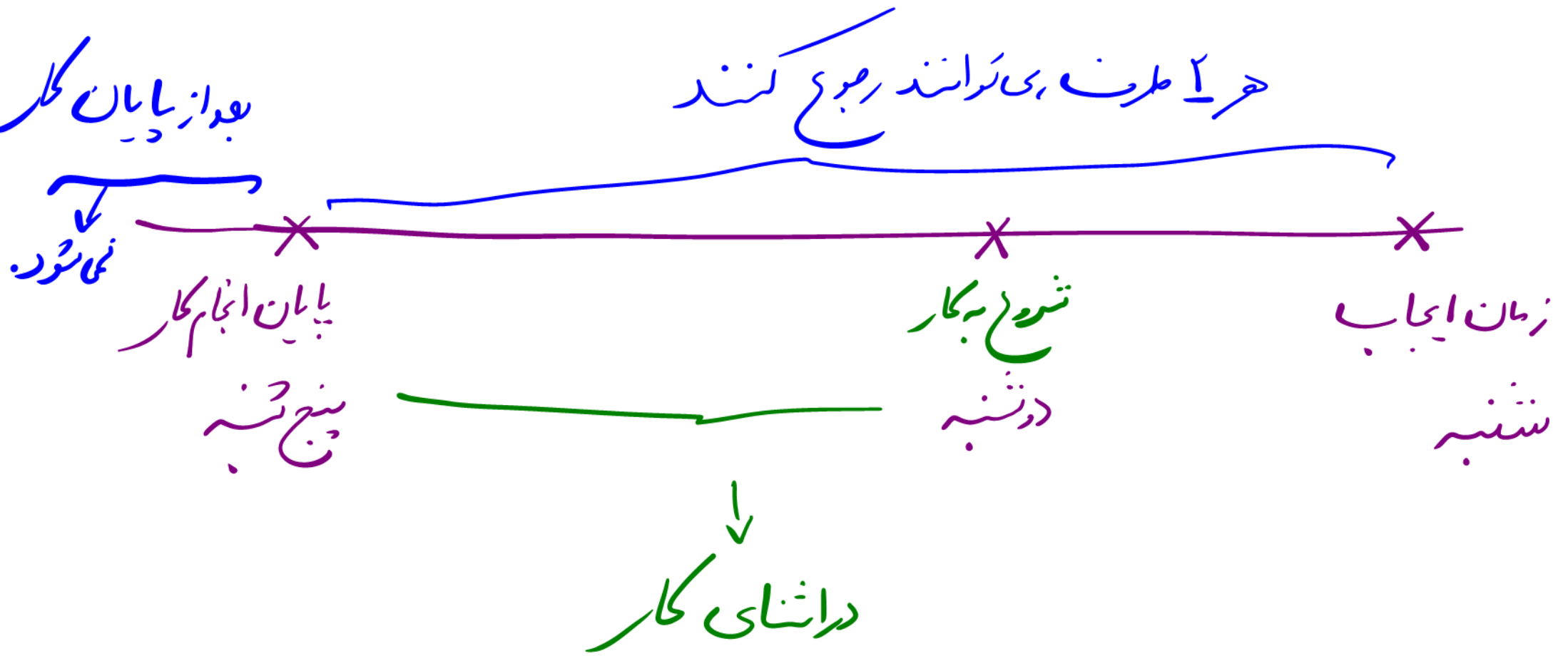
اگر دلی یا قسیم، جعالہ را تنفیذ کرد ہے عامل مستحق جُعِلَ
اگر عامل، سفیہ یا صغیر مجز بود ہے
(جعالہ غیر تافذ)
اگر دلی یا قسیم، جعالہ را رد کرد ہے عامل مستحق اجرت المثل

از باب استیناف

حبالہ ہے عقد جائز ہے تکرر تکرار تکرار ہے جائز اذنی

۵۶۵ ← مادی نہ عمل بہ پایان رسیدہ، مریب از طریق می توانند

حبالہ راسخ نشد.



اگر قبل از شروع کار چه عامل
چه عامل { یعنی ندم عامل مستحق هیچ نه اجرت التمل
چه جاعل

(اجزاء اصالت دارند)

اگر عمل دارای اجزاء متعدد، مقصود بالاصاله باشد

↓ چه عامل { هر کدام رجوع مرد
چه جاعل

زنگ کردن ساختمان ۴ ملبته
شخم زدن ۱۰ اکتار زمین

در اثنای عمل

اگر بعد از شروع به کار

عامل مستحق جعل به نسبت عمل

اگر عمل دارای اجزاء متعدد، مقصود بالاصاله نباشد.

پیدا کردن کین گمشده

تعمیر ماشین

↓
صفحه بعد

اگر عمل، دارای افراد متعدد متصور بالا فالر نباشد

اگر عامل رجوع کنند به عامل مستحق هیچ به قاعده اتمام

اگر عامل رجوع کنند به عامل مستحق اجرت المثل

~~عمل نه~~

در صورت فسخ جعاله کدام مورد در خصوص میزان اجرت صحیح است؟

(۱) اگر عمل دارای اجزای متعدد بالاصاله نباشد و جاعل جعاله را فسخ کند تکلیفی به پرداخت اجرت المثل عامل ندارد. ✗

(۲) اگر عمل دارای اجزای متعدد بالاصاله نباشد و عامل از جعاله رجوع کند مستحق دریافت اجرت المثل می باشد. سه ماعده اندام ✗

(۳) اگر عمل دارای اجزای متعدد بالاصاله نباشد و جعاله از ناحیه عامل فسخ شود، عامل به نسبت عملی که انجام داده مستحق دریافت اجرت المسمی خواهد بود. جعل ✓

(۴) اگر عمل دارای اجزای متعدد بالاصاله نباشد و جعاله از ناحیه جاعل فسخ شود، عامل به نسبت همان عملی که انجام داده مستحق دریافت اجرت المثل خواهد بود. ✗

جعل به نسبت عمل

✗

قبل از شروع عمل
در انشأ صورت

موضوع جعالة، عیب یابی و تعمیر موتور خودروی خارجی بوده و عامل، پس از تلاش و صرف یک روز وقت و قبل از موفق شدن به عیب یابی و تعمیر، قرارداد جعالة را فسخ می کند. عامل در خصوص اجرت فعالیتی که انجام داده، از چه حقی برخوردار است؟

(۲) مطالبه اجرت المثل یا اجرت المسمای کار انجام شده

(۴) مطالبه اجرت المثل کار انجام شده

(۱) مطالبه اجرت المسمای کار انجام شده

(۳) هیچ حقی ندارد.

عمل را از اجزاء مقدر مقصود با الاصله نیست

درصفا لہ ←

لہ عامل رقی کار را انجام دہہ مستحق تمام جمل

جاعل

عامل

۱۴- مرکز وکلای قوه قضائیه سفارش طراحی لباس فرم وکلا را به یک طراح لباس در قالب عقد جعاله می‌دهد، فوت طراح مزبور چه تأثیری در جعاله دارد؟

۱) تعهد به وراثت او منتقل شده و اجرت معاملاتی نیز به وراثت او پرداخت می‌شود. ✗

۲) تعهد به وراثت او منتقل شده و در صورت انجام عمل، مستحق اجرت المثل‌اند. ✗

۳) نه تعهدی به وراثت او منتقل می‌شود و نه استحقاق اجرت به وراثت می‌رسد. ✗

۴) تعهد به وراثت منتقل نمی‌شود ولی در صورت استحقاق اجرت، به وراثت می‌رسد. ✓

جعاله با مخاطب خاص

اگر طراح قبل از فوت مستحق اجرت نشده - مبدأ کار را انجام داده

صلب می‌رسد به وراثت

برابر با سفارش بزرگ است - جعاله - جاری ازنی

یدعامل تا قبل از تسلیم مال به جاعل

لا یدامانی است

اگر عامل بدون اطلاع از ایجاب جعاله، کار را انجام دهد.

جعل

مَسَقُّ لِبِتِ الْمَلِّ

چون جاعل کار را طلب کرده در صدد عامل خبر ندارد.

اگر اصلاً ایجاب نبوده

یعنی سر خود انجام داده

لے عامل کار را انجام داده

لے متعلق صیغ

مبهم، حیل و عقد باطل

اجرت
پادشاهی

حجالت

که علم اجمالی به فعل کافی است

مُدَّ حَرَسِ خَرَزَنْدِ مَن رَا بیدارند هم دزن او طلائی دهم

در حجالت عمل موضوع حجالت می تواند سرور باشد.

حَرَسِ زَرَنْدِ مَن رَا شَعْمِ بَزَنْدِ مَن رَا بیدارند

هر کس کتب را بداند، تمام بول کتب برای او

جعل

لب علم اجمالی کافی است

حُجَل یعنی تواند مردرد باشد

هرسذین من اشعم یزند یک صدین ی دسم یا یک کسیر لندم

حُجَلِ مَرْدَر



سی حباله باطل

فقط عمل موضوع حباله، می تواند مردد باشد.

عاجل، حق حبس ندارد

حق حبس

در محاکمه

عاجل، حق حبس دارد.

می‌توانند تا بیل از تحویل، چهل را بدهند

اگر حیدرِ عامل با هم کار را انجام دهند

هر کدام مستحقِ جِل بر سبِ عمل

عقد هبه = عقدی است که یک طرف، مالی را مجاناً به طرف مقابل

منتخب

↓
مال موعوبه

واهب

تحلیف می کنند

عین
له = منفعت
دین

هبه = عقد عینی = ایجاب + قبول + قبض

هبه = عقد تحلیفی = از اصلی هبه = انتقال مالکیت

هبه عقد لازم است = با شرایطی واجب، حق رجوع دارد.

هَبْ عَقْدَ عِنِّ

(إِجَابَ + مَبُولَ + قَبَضَ) دَانِبَاضَ

اِرْكَانَ عَقْدَ

بِالْإِرَادَةِ سَالِمَ طَرَفَيْنِ

اِذَا مَالَ، اِذَا مَبُولَ دَرَقَرَفَ طَرَفَ مَقَابِلَ بَابِ

كَيْدِيَّةٌ بَعْضُ لَازِمٍ نَبِيَّةٌ. (قَبَضَ) كَيْدِيَّةٌ لَازِمٌ نَبِيَّةٌ

عقد هبه = غیر معرض = چانی

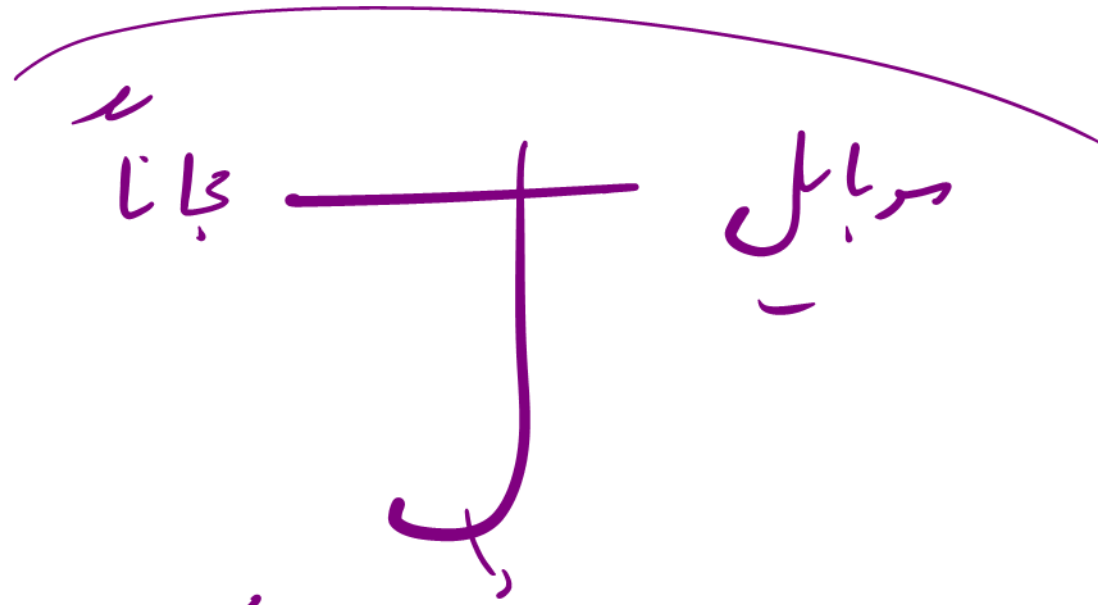
نمی شود.
هبه در مال صدقه
وقت

در عقد چانی اصلاً می توان شرط عوض دفع کرد

وامبی می تواند شرط کند که =
منتب، مالی را به او تحویل کند

زیندله
مهریه، عملی انجام دهد

توافق فرعی
باز هم عقد هبه، غیر معرض است، به ضایعین راه ندارد.
حق حبس وجود ندارد.



سُڑا ہے ۳ پارہ مرا بہ گل گلر برسانی
عوض

عقد صریح

مرباطی

شرط باطل

به شرط این که کتاب بیجا برای
من باشد.

بعد معلوم می شود که کتاب وقف کبر بوده

